

فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال دوازدهم / دوره جدید / شماره ۴۵ / پاییز ۱۳۹۵
صص ۵۳-۶۳

معرفی تفسیر کتاب الله و تبیین گرایشات زیدی و ولایه مفسر



۵۴

معرفی تفسیر کتاب الله و تبیین گرایشات زیدی و ولایه مفسر

• مریم قوجائی خامنه

دانش پژوه سطح ۴ تفسیر تطبیقی مؤسسه آموزش عالی - حوزوی معصومیه (نویسنده مسئول)
m.ghojaei.kh@gmail.com

• سید علی موسوی نژاد

استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب قم
mousavi70@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۲۸

چکیده

زیدیه یکی از فرق شیعه است که با اعتقاد به امامت زید بن علی بن حسین (ع) و قرار دادن ویژگیهایی خاص برای امامت، از شیعه امامیه جدا شدند. از قرن دوم تا دهم قمری شاهد حضور زیدیه در ایران و به خصوص مناطق شمال ایران - طبرستان و دیلمان - هستیم. میراث علمی و فرهنگی متعددی از زیدیه شمال ایران باقی مانده که «تفسیر کتاب الله» متعلق به «ابوالفضل عباس بن شهردویر دیلمی»، یکی از این آثار است. این تفسیر هنوز به صورت نسخه خطی بوده و نسخه‌های متعددی از آن گزارش شده است. در این تفسیر در مواردی گرایش ولایه مفسر و ارادت به امامان شیعه تا امام سجاد (ع) به چشم می‌خورد و در مواردی دیگر گرایش زیدی مفسر نیز در تفسیر آیات مشهود است. در این نوشتار به معرفی این تفسیر و تبیین گرایشات زیدی و ولایه مفسر پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تفسیر کتاب الله، ابوالفضل شهردویر دیلمی، زیدیه، امامیه، زیدیان ایران.



مقدمه

«زیدیه» یکی از مهم‌ترین فرق شیعه می‌باشد. میراث علمی فراوانی از «زیدیه» باقی مانده است. کتب تفسیری در این میراث جایگاه خاصی دارد. تفسیر دو جلدی تفسیر کتاب الله، تألیف ابوالفضل عباس بن شهردویر دیلمی - از علمای زیدیه شمال ایران در اواخر قرن هشتم - نمونه‌ای از این تفاسیر است. این تفسیر هنوز خطی است و وجود نسخه‌های متعددی از آن، از اعتبار و رواجش نزد ناصریان شمال ایران حکایت می‌کند. آنچه در این نوشتار ارائه خواهد شد، معرفی تفسیر کتاب الله و تبیین گرایش‌های ولایی و زیدی مفسر است. ناخوانا بودن کتاب به علت خطی بودن آن و فرسودگی برگه‌ها، از مشکلات این تحقیق بود که امید است در آینده‌ای نزدیک، با چاپ و نشر وزین این اثر، این مشکل مرتفع گردد.

معرفی اجمالی زیدیه

زیدیه از جمله فرقه‌های شیعه است که همچون دیگر شیعیان، امام علی (ع) را پس از پیامبر (ص) به عنوان نخستین امام و جانشین برحق ایشان می‌شناسند. پس از ایشان نیز معتقد به امامت امام حسن و امام حسین (ع) به عنوان امامانی معصوم و منصوص هستند. ولی پس از امام حسین (ع)، امامت را منحصر در فرزندان آن دو دانسته و معتقدند: هریک از آنان که دارای شرایط امامت باشد و مردم را به امامت خود دعوت کند و علیه ظلم و ستم قیام نماید، امام خواهد بود. به همین دلیل آنان پس از امام حسین (ع)، به امامت زید بن علی اعتقاد دارند و خود را پیرو او می‌دانند.^۱

نوبختی پیدایش زیدیه را مربوط به قرن اول - پس از شهادت امام حسین (ع) - می‌داند. زیدیه بر این باور بودند که امامت در آن گروه از فرزندان فاطمه (س) استمرار خواهد یافت که دارای شرایط معینی باشند

۱. آشنایی با فرق تشیع، ص ۸۳.

و قیام علیه ظلم مهم‌ترین شرط امامت است.^۲ شیخ مفید نیز در این خصوص، عدالت ظاهری، اهل علم و شجاعت بودن و بیعت مردم با او جهت قیام با شمشیر را از شروط امامت می‌داند.^۳ این فرقه پس از شهادت زید در سال ۱۲۰/۱۲۲ق از بدنه اصلی شیعه جدا شد و به همین سبب در اصول اعتقادی و فروع فقهی با دیگر فرق شیعی، اختلافاتی فاحش یافت.

دیدگاه زیدیه در اصول دین تفاوت چندانی با دیگر عدلیه ندارد و همچون دیگر شیعیان، به دو اصل توحید و عدل به عنوان اساسی‌ترین اصول اعتقادی می‌نگرند و براساس آن هرگونه تشبیه و تجسیم را نفی کرده و خدا را عادل می‌دانند که براساس مصالح و مفاسد، پاداش می‌دهد و مجازات می‌کند. آنها همچنین به اختیار انسان در افعال معتقدند و جبر را رد می‌کنند.^۴ هرچند برخی از آراء زیدیه به نوعی با عقاید امامیه در تعارض است، اما آثار آنان، هم از حیث توجیهی که به معارف اهل بیت دارد و هم از جهت تفکر معتزلی و عقلی، نزدیکی زیادی با متون و منابع امامیه دارد. بنابراین توجه به این قبیل آثار برای تقویت پشتوانه فکری و فرهنگی شیعه امامی، دارای اهمیت بسیاری است.

زیدیان در ایران

زیدیه در دو منطقه از جهان اسلام رشد کردند: طبرستان و دیلمان در شمال ایران و یمن در جنوب عربستان. زیدیان ایران در طول چند قرن اکثریتی نیرومند تشکیل داده بودند و حکومت حاشیه جنوبی دریای خزر نیز در اختیار آنان بود.^۵

اولین حضور پیشوایان زیدیه در ایران به قرن دوم قمری و به قیام «یحیی بن زید» در خراسان و پس از آن نهضت «یحیی بن عبدالله» در منطقه دیلمان

۲. فرق الشیعه، ص ۵۴.

۳. اوائل المقالات، ص ۳۹.

۴. آشنایی با فرق تشیع، ص ۱۰۳.

۵. رک: «زیدیه از ظهور تا تأسیس حکومت»، ص ۲۵۷.

بازمی‌گردد. ابن‌اثیر ورود امام یحیی بن عبدالله بن حسن و آغاز دعوت او در دیلم را مربوط به سال ۱۷۵ق می‌داند.^۶ فضیله عبدالامیر الشامی نیز در کتاب خود با عنوان *تاریخ الفرقة الزیدیه بین القرنین الثانی و الثالث للهجرة*، ورود زیدیه به دیلم را به قرن دوم قمری بازمی‌گرداند که «یحیی بن عبدالله» در نتیجه سیاست عباسیان قیام نمود و وارد سرزمین دیلم شد و مردم را به امامت خود دعوت نمود.^۷

تا قرن دهم حکومت زیدیان بر طبرستان و دیلمان استمرار داشته است. در بین امامان حاضر در منطقه، «ناصر اطروش» پایه‌های حکومت شیعی را در شمال ایران تحکیم کرد و دشمنان شیعه را سرکوب نمود. همه زیدیه بر امامت او اتفاق نظر داشته، او را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین امامان خود می‌شناختند.^۸

از اواسط قرن هفتم و پس از سلطه مغول بر ایران، حدود یک قرن کمترین اطلاعات و گزارشها را از زیدیه در ایران در اختیار داریم. به طور کلی از قرن هفتم به بعد، وجود شخصیت‌هایی که دارای شرایط و مدعی امامت در میان زیدیان ایران باشند، محل تردید است.

خلاصه اینکه پس از تسلط صفویان بر مناطق مختلف ایران، گروهی از زیدیان به یمن کوچ کردند و گروهی در غرب مازندران، دیلمان و گیلان محدود شدند. پیروان زیدیه به مرور زمان به مذاهب دیگر و به ویژه امامیه گرویدند^۹ و به این ترتیب مذهب زیدیه از شمال ایران برچیده شد.

زیدیان شمال ایران نه تنها اهل شمشیر و حکومت، بلکه صاحب قلم و کتابت نیز بودند و برخی از امامان و دانشمندان آنان، آثار متعددی پدید آوردند. زیدیان طبرستان و دیلمان شمال ایران، دارای میراث فرهنگی

عظیمی هستند و آثار فراوانی از ایشان برجای مانده است. از جمله: نگارش آثار جدید، کتابت میراث گذشتگان، نگارش شروح و تعلیقه نگاری آثار پیشین.^{۱۰}

در رأس این مؤلفان ناصر اطروش (د ۳۰۴ق) معروف به «ناصر للحق» است که در کنار کار حکومت و رهبری، آثار متعددی نیز تألیف کرده است. ابن‌ندیم از قول بعضی از زیدیان نقل می‌کند که وی حدود ۱۰۰ کتاب داشته است.^{۱۱}

با گذشت زمان از حضور زیدیه در ایران، شاهد تمایلات ایشان به معارف اهل‌بیت (ع) هستیم، مانند تعلقات «ناصر للحق» به امامیه که در مواردی مانند احکام طلاق، ارث و مسح پا در وضو خود را نشان می‌دهد و گرایش او به حدی است که برخی او را شیعه اثنی عشری دانسته‌اند.^{۱۲}

سنت علمی و حیات فرهنگی و دینی زیدیه شمال ایران در سده‌های هفتم و هشتم ادامه داشته است.^{۱۳} زیدیان شمال ایران که نسل‌های نخستین پیشوایان آنان عرب زبان بودند، آثار خود را به زبان عربی تألیف کرده‌اند، با این همه، متونی از زیدیان متأخر (قرن ۸ و ۹) در دست است که زبان عربی در آنها با گویش محلی درآمیخته است. از جمله این متون، تفسیر کتاب الله است که به نظر می‌رسد به عنوان یک متن آموزشی در میان طلاب زیدی گیلان و مازندران جایگاه خاصی داشته است. منابع متعددی - اعم از کتاب و مقاله - به حضور زیدیان در ایران و همچنین ذکر امامان زیدیه در قرون متمادی پرداخته‌اند که در این نوشتار به جهت رعایت اختصار، از پرداختن به آنها معذوریم.



۱۰. زیدیه در ایران، ص ۱۰۱.

۱۱. الفهرست، ص ۲۴۴.

۱۲. «آشنایی با زیدیه»، ص ۹۰.

۱۳. «زیدیان شمال ایران در قرن هشتم هجری براساس نسخه‌ای تازه‌یاب»، ص ۱۲۳.

۶. الکامل، ج ۴، ص ۳۱۹.

۷. تاریخ الفرقة الزیدیه بین القرنین الثانی و الثالث للهجرة، ص ۱۷۸.

۸. آشنایی با فرق تشیع، ص ۹۰؛ «زیدیه از ظهور تا تأسیس حکومت»، ص ۲۵۵.

۹. آشنایی با فرق تشیع، ص ۹۲.



معرفی تفسیر کتاب الله

یکی از مهم‌ترین متون تفسیری متداول تألیف شده در قرن هفتم قمری، تفسیر کتاب الله اثر ابوالفضل عباس بن شهردویر (دبیر) بن یوسف بن ابی‌الحسن گیلانی است. آقابزرگ تهرانی در کتاب الذریعة الی تصانیف الشیعة، به این تفسیر اشاره کرده و از آن با عنوان تفسیر ابی‌الفضل الدیلمی نام برده و در اشاره به نام کامل نویسنده، وی را ابوالفضل بن شهردویر بن بهاء‌الدین یوسف بن ابی‌الحسن بن ابی‌القاسم دیلمی گیلانی مرقانی (مرکالی) معرفی کرده است. وی «شهردویر» را به معنای شیخ و بزرگ شهر و «دویر» را به معنای شخص صاحب فضیلت می‌داند و بر این باور است که فصیح واژه «دویر»، «دبیر» می‌باشد.^{۱۴} وی درباره ابوالفضل دیلمی و خاندان او می‌نویسد: «او علامه مفسر، ابوالفضل پسر علامه شهردویر پسر فقیه عالم بهاء‌الدین یوسف ابی‌الحسن بن ابی‌القاسم گیلانی از منطقه دیلمان می‌باشد. او، پدرش و جدش و برادرش از دانشمندان دیلمان و گیلان در اوایل قرن هشتم می‌باشند». از مفسر، کتاب دیگری در کلام، با عنوان دلائل التوحید و از پدرش لوائح الأخبار در بحث از نور، روح و عذاب گزارش شده است. وی تاریخ تألیف تفسیر کتاب الله را اواخر قرن هشتم می‌داند.^{۱۵}

ذهبی در التفسیر و المفسرون هیچ‌گونه اشاره‌ای به این تفسیر - موجود یا مفقود - نمی‌کند.^{۱۶} البته اطلاعات وی نسبت به کتب تفسیری زبیدی بسیار اندک و قابل‌خنده است و تنها از عهده معرفی دو تفسیر از زبیدی - فتح‌القدیر شوکانی و الثمرات الیابغة یوسف بن احمد - برآمده است.

تاریخ تألیف تفسیر کتاب الله بین قرن ششم و نهم تخمین زده شده است. محمدباقر حجتی احتمال

می‌دهد متعلق به قرن ۹ و ۱۰ و یا قبل از آن باشد.^{۱۷} البته با توجه به تاریخ استنساخ جلد دوم که پایان آن در سال ۸۹۰ق بوده است، نمی‌تواند متعلق به قرن دهم باشد. براساس نسخه‌های مختلف شناسایی شده از این کتاب، تفسیر کتاب الله، مهم‌ترین متن تفسیری متداول در میان عالمان زبیدی ایرانی در فاصله قرن هفتم تا دهم قمری بوده است.

این تفسیر با عنوان تفسیر کتاب الله شناخته می‌شود و نام دیگری برای آن گفته نشده است. مفسر در انتهای کتاب آورده است: «إنه تفسیر کتاب الله المتضمن لحقایقه و دقایقه، تولى جمعه الفقیر المحتاج إلی رحمة مولاه ابوالفضل بن شهردویر بن یوسف». ^{۱۸} به همین جهت، با یقین نمی‌توان اظهار نظر کرد که همین عنوان را داشته است؛ یعنی ممکن است عنوان دیگری داشته، اما به ما نرسیده باشد.

نسخه مورد استفاده در نوشتار حاضر، متن تفسیر کتاب الله به صورت عکسی براساس نسخه‌های موجود از آن در کتابخانه مجلس، با مقدمه سید محمد عمادی حائری است که در سال ۱۳۸۸ش به چاپ رسیده است. این تفسیر در دو جلد تنظیم شده است: جلد اول از سوره حمد تا سوره کهف و جلد دوم از ابتدای سوره مریم تا آخر قرآن است. جلد اول، از انتها اندکی افتادگی دارد و بخشی از تفسیر سوره کهف که بخش پایانی جلد اول است، در آن ناقص است. در انتهای جلد دوم تاریخ استنساخ، سال ۸۹۰ق ذکر شده است. ملحقاتی نیز در چند صفحه آمده است.

مشخصات ظاهری تفسیر کتاب الله

شیوه کتابت تفسیر کتاب الله ویژگیهای خاصی دارد. در وسط صفحه، آیات قرآن به خطی درشت کتابت، و ذیل هر سطر ترجمه برخی از آیات و یا واژه‌های قرآنی و عبارات، به گوییش محلی و ندرتاً به زبان

۱۴. الذریعة، ج ۴، ص ۲۵۶.

۱۵. همان، ج ۴، صص ۲۵۶ و ۲۵۷.

۱۶. التفسیر و المفسرون، ص ۱۹۲.

۱۷. تفسیر کتاب الله، مقدمه، ص ۱۵.

۱۸. همان، ج ۲، ب ۳۸۸ر.

فارسی درج، و در حواشی نسخه، از سه جهت تفسیر آیات ذکر شده است. تفسیر هر واژه قرآنی با خطی به واژه قرآنی در متن قرآن متصل شده است. به عبارتی در اطراف هر برگ، مطالب و تعلیقاتی که عموماً با خطی به محلی در نسخه متصل شده، آمده است که نشان دهنده درسی بودن تفسیر است و تعلیقات مذکور در حقیقت مطالب بیان شده در هنگام تدریس تفسیر است. آقابزرگ تهرانی نیز به خصوصیات مذکور اشاره نموده است.^{۱۹}

آیت الله مرعشی نجفی با دیدن نسخه‌ای از این تفسیر، طی یادداشتی نوشته است: «باسمه تعالی. آنچه به نظر حقیر آمد - پس از ملاحظه بسیار مختصر - در حواشی آیات شریفه، تفسیری است ملتقط از کشف، بیضاوی، تفسیر ناصر کبیر - از ائمه زیدیه و جد مادری سید مرتضی - تفسیر ثعلبی و تفسیر سدی رازی ... نفاست نسخه از حیث قدم و مشتمل بودن بر لغات مازندرانی است و علاوه بر آن مشتمل است بر کلمات بعضی از علمای زیدیه در تفسیر آیات شریفه قرآنی».^{۲۰}

زبان نخست تفسیر، عربی است و بیشتر مطالب به صورت عربی نوشته شده است، اما برخی عبارات تفسیری به گویش محلی است. در میانه سطور قرآن، ترجمه برخی واژه‌ها و عبارات قرآنی به صورت گویش محلی درج شده است. در مواردی نیز در حاشیه برگها، برگردان آیات قرآنی پراکنده است و چنان‌که پیدا است، به منظور توضیح لغات و عبارات نوشته شده، نه به قصد ارائه ترجمه‌ای کامل از قرآن. همچنان‌که در لابه‌لای سطور قرآنی عباراتی توضیحی به زبان عربی دیده می‌شود. با توجه به اختلافاتی که در ترجمه عبارات قرآنی در نسخه‌های متعدد، وجود دارد، به نظر می‌رسد برخی از آنها مطالبی است که طلاب دیلمی و زیدی هنگام مطالعه و آموزش اضافه

نموده‌اند. اما تفاسیری که در حواشی نوشته شده است، قاعدتاً باید از خود مفسر - ابوالفضل دیلمی - باشد. آقابزرگ تهرانی، براساس نسخه‌ای از تفسیر ابوالفضل دیلمی در مورد خصوصیات ظاهری آن نوشته است: «این تفسیر بزرگ و در دو جلد ضخیم بنا بر کیفیت خاصی تنظیم شده است. به این ترتیب که مقداری از آیات قرآن در وسط صفحه نوشته شده است، سپس تفسیر به صورت تعلیقه بر الفاظ آیات در حاشیه آنها نگاشته شده است. اما محل تعلیق آنها آن‌چنان که در کتب خطی مرسوم است - به صورت علامت‌گذاری در محل تعلیق و مطلب توضیحی - مشخص نشده است، بلکه با کشیدن خطی - کوتاه یا بلند - مطلب توضیحی را به محل تعلیق از آیه شریفه وصل کرده است».^{۲۱}

البته باید متذکر شد که تنها نسخه‌های تفسیر کتاب الله نیستند که این‌گونه صفحه‌آرایی شده‌اند. این تفسیر و تعلیقه‌های آن به یک سنت کتابتی - آموزشی زیدی در شمال ایران (گیلان شرقی - مازندران غربی) تعلق دارند که تا قرون نهم و دهم استمرار داشته است و متنها و دست‌نوشته‌های دیگری از آن با همان ساختار، برجای مانده است.^{۲۲}

تعلیقه‌نگاری در میان زیدیان ایران ویژگی خاصی دارد که در چند نسخه باقی مانده از آنها به خوبی مشهود است. این شیوه در میان ناصریان ظهور بیشتری داشته است. بررسی نسخه‌های خطی دیگر باقی مانده از جوامع زیدی ایران، به وضوح آن را تأیید می‌کند. تفسیر کتاب الله دیلمی نمونه‌ای از آن است.^{۲۳} توجه به شکل خاص تعلیقه نویسی در میان زیدیان ایران، می‌تواند به عنوان معیاری برای شناسایی دیگر نسخه‌های باقی مانده از زیدیان ایران به کار آید.

۲۱. الذریعة، ج ۴، ص ۲۵۷.

۲۲. «درباره سطر بندی نسخه‌های تفسیر کتاب الله و اشاره به نقش متن و تعلیقات در صفحه‌آرایی نسخ خطی».

۲۳. زیدیه در ایران، ص ۱۰۱.

۱۹. الذریعة، ج ۴، صص ۲۵۷ و ۲۵۸.

۲۰. تفسیر کتاب الله، مقدمه، ص ۱۵.





ویژگیهای محتوایی تفسیر کتاب الله

با مطالعه این تفسیر، ویژگیهای محتوایی آن را می‌توان چنین برشمرد:

(۱) ترجمه و تفسیر آیات قرآن به لهجه محلی

مروری گذرا بر صفحات اولیه این تفسیر، وجود کلمات و عباراتی با گویش محلی گیلانی را نشان می‌دهد که از جمله خصوصیات خاص این تفسیر است. این عبارات گاه ترجمه واژگان قرآنی است و گاه توضیح آیه مورد نظر. برای مثال ذیل آیات زیر، این عبارات آمده است:

- «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ...»؛^{۲۴} اما دو نیم

تی دیدم ها آسمون کدنا بطلب تحویل قبله.^{۲۵}

- «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا...»؛^{۲۶} منزه اون

خیابوندی که بشو ببرده خوی بنده را.^{۲۷}

- «... وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبِئَاتِ»؛^{۲۸} ویشه خجیر

واجومین گاه.^{۲۹}

- «... وَأَنَا عَلَىٰ ذَلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ»؛^{۳۰} من در شما

اجمله کواهانم.^{۳۱}

گویش این تفسیر در اهمیت بالایی قرار دارد؛ زیرا گویشی خاص از قرن هفتم و هشتم است و با توجه به اینکه واژگان در برابر عبارات عربی قرار گرفته‌اند، محققان زبان فارسی می‌توانند معنای دقیق واژه‌ها را در این گویش خاص درک کنند.^{۳۲}

(۲) کثرت استفاده از تفسیر کشاف

مهم‌ترین منبع تفسیری مفسر، تفسیر کشاف زمخشری (د ۵۳۸ق) بوده است، تا جایی که می‌توان آن را گزیده‌ای زیدی از آن دانست. تفسیر کشاف در

۲۴. بقره، ۱۴۴.

۲۵. تفسیر کتاب الله، ج ۱، ب ۲۷ر.

۲۶. اسراء، ۱.

۲۷. تفسیر کتاب الله، ج ۱، ب ۳۰۰پ.

۲۸. آل عمران، ۱۴.

۲۹. تفسیر کتاب الله، ج ۱، ب ۶۳ع.

۳۰. انبیاء، ۵۶.

۳۱. تفسیر کتاب الله، ج ۲، ب ۳۰۰پ.

۳۲. «گزارش»، ص ۱۲۴.

روزگار خود، بسیار مشهور بوده و سیر تفسیرنگاری پس از خود را متأثر از خود کرده است. ذهبی به تأثیرپذیری تفاسیر زیدیه از تفسیر کشاف زمخشری اشاره می‌نماید.^{۳۳}

زیدیان از جهت تفکرات مذهبی، اعتزالی بوده‌اند، به همین جهت تفکرات اعتزالی در این تفسیر به چشم می‌خورد. گرایش مفسر به تفسیر کشاف نیز از این جهت است. شاید بتوان گفت: این تفسیر میراث‌دار معتزله است و اندیشه ایشان را به ما منتقل کرده است.

(۳) نقل قول از امامان، عالمان و منابع زیدیه

دیلمی در تفسیر خود توجهی خاص به اقوال امامان، عالمان و منابع زیدیه دارد. در این تفسیر کثرت استناد به آراء و اقوال ناصر اطروش مشهود است. ناصر اطروش، مؤسس فرقه‌ای به نام ناصریه است. به نظر می‌رسد با توجه به نقل گسترده از آثار او، دیلمی از زیدیان ناصری بوده است. محمدکاظم رحمتی از محققان مباحث زیدیه، این تفسیر را متعلق به جریان ناصریه می‌داند که متنی بی‌نظیر برای کسانی است که می‌خواهند در سنت ناصریه به تحقیق پردازند.^{۳۴}

تفسیر ناصر اطروش (تفسیر ناصر للحق) اکنون مفقود است و تا زمان حال، هیچ گزارشی از نسخه‌های موجود آن به دست نیامده است. بنابر گزارش صاحب کتاب الحدائق الوردیه، در این تفسیر ۱۰۰۰ بیت شعر موجود بوده و مقدم بر تفسیر ابی‌الفتح الامام الناصر دیلمی است.^{۳۵}

اگر بخواهیم اطلاعات بیشتری از این شخصیت ارائه دهیم، باید بگوییم: حسن بن علی بن حسن بن علی بن عمر بن زین العابدین معروف به ناصر اطروش و ناصر کبیر از شخصیت‌های تأثیرگذار زیدیه محسوب می‌شود که پس از فراگیری معارف اسلامی و تربیت در مکتب شیعی عراق به شمال ایران مهاجرت کرد.

۳۳. التفسیر و المفسرون، ص ۱۹۳.

۳۴. «گزارش»، ص ۱۲۳.

۳۵. الذریعة، ج ۴، ص ۲۶۱.

وی در سالهای آخر عمر به تدوین و تبیین عقاید و فقه همت گماشت و از خود مکتبی خاص در فقه و حدیث به یادگار گذاشت که امتداد مکتب زیدیه در عراق محسوب می‌شود و از مکتب زیدیه در حجاز و یمن متمایز است. به پیروان این مکتب به دلیل انتساب به «ناصر اطروش»، «ناصریه» گفته می‌شود. این مکتب در طول چندین قرن در شمال ایران به عنوان اصلی‌ترین جریان زیدیه به حیات خود ادامه داده است.^{۳۶}

حاکم جشمی نیز از دیگر کسانی است که شاهد نقل اقوال او در این تفسیر هستیم. جشمی در تفسیر صاحب نظر بوده و زمخشری نزد وی علم تفسیر را آموخته است و یکی از مورخان زیدیه به شمار می‌آید.^{۳۷}

منابع مفسر در تدوین تفسیر کتاب الله

ابوالفضل دیلمی در تفسیر خود از منابع متعددی بهره برده است. این منابع را می‌توان این‌گونه سامان داد:

- ۱- منابع باواسطه: آراء تفسیری ابن عباس، مجاهد، کسائی، حمزه و سیبویه که به واسطه کتب دیگر از آنها مطالبی را نقل کرده است.
- ۲- منابع بی‌واسطه: به چند شیوه این منابع را آورده است: الف) ذکر نام مؤلف بدون اشاره به کتاب ب) ذکر نام کتاب بدون اشاره به مؤلف ج) ذکر نام کتاب و مؤلف.

برخی از این منابع در حال حاضر در دسترس هستند و برخی مفقودند. آثاری که در دسترس نیستند عبارتند از: تفسیر ناصر للحق، تفسیر خواجه بانصر و نوشته‌های علمای ناشناخته شمال ایران. برخی از آثاری که اکنون در دسترس هستند و از منابع اولیه تفسیری هستند از این قرارند: *الکشاف* زمخشری، تفسیر حاکم جشمی با عنوان *التهدیب* که تاکنون منتشر نشده است، *الکشف و البیان* ثعلبی، *مجمع البیان* طبرسی، *مفاتیح الغیب* فخررازی، *غریب القرآن*، *دره*

۳۶. آشنایی با فرق تشیع، ص ۸۹.

۳۷. زیدیه: تاریخ و عقاید.

العواص حریری و کشف المشکلات.

متن تفسیر نیز گواه است که ابوالفضل دیلمی بیشتر در نقش یک گردآورنده و گزینشگر از تفاسیر گذشته ظاهر می‌شود، تا یک مفسر مستقل. با این همه گرایشهای هر گردآورنده و گزینشگری را از منقولات او می‌توان شناخت. نمی‌توان انکار کرد که دیلمی در تألیف این تفسیر، به منابع متعددی مراجعه کرده و تتبعات بسیاری انجام داده و برخی نظرات خود را در تفسیر گنجانده است.

نسخه‌های شناخته شده از تفسیر کتاب الله

گذشته از دوره کاملی که آقابزرگ در نجف دیده و اکنون از محل دقیق آنها اطلاعی در دست نیست، از تفسیر کتاب الله نسخه‌های زیر شناخته شده است:

- ۱- نسخه شماره ۴۰۲۸ کتابخانه مجلس شورای اسلامی که مشتمل بر جلد دوم کتاب است (یعنی از سوره مریم آغاز شده و از انتها اندکی افتادگی دارد و با تفسیر آیه نخست سوره فلق پایان یافته است).
- ۲- نسخه شماره ۱۲۲۷۸ کتابخانه مجلس که مشتمل بر جلد اول تفسیر است و از انتهای آن (تفسیر سوره کهف) افتادگی دارد و اساس چاپ عکسی است که کتابخانه مجلس منتشر کرده است.
- ۳- نسخه شماره ۱۷۹۸۲ کتابخانه مجلس که مشتمل بر جلد دوم تفسیر کتاب الله است (یعنی از سوره مریم تا آخر قرآن).
- ۴- نسخه شماره ۲۷۷ کتابخانه ملک که مشتمل بر جلد اول تفسیر است و از آغاز و انجام افتادگی دارد.
- ۵- نسخه موجود در کتابخانه مغنيسا گنل که جلد دوم تفسیر است.^{۳۸}

نمونه‌هایی از گرایش‌های زیدی مفسر در تفسیر

کتاب الله

از آنجا که تفسیر کتاب الله، تفسیری زیدی است،

۳۸. تفسیر کتاب الله، مقدمه.





گرایش زیدی مؤلف ذیل برخی آیات به چشم می‌خورد. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱) بزرگداشت خاص زید بن علی

اعتقاد زیدیه در باب امامت و شرط دانستن قیام امام ذیل آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُؤْتِنُ اللَّهُ...»^{۳۹} بیان شده است. مفسر با صراحت بیان می‌نماید که از دیدگاه «زیدیه»، «ظالم لنفسه» شخص فاسق است که طاعت خدا را ترک کرده است. «مقتصد» هم به کسی اطلاق می‌شود که در خانه به عبادت و تعلیم دین و شریعت اشتغال دارد و خروج بر ظالم را ترک کرده است که کسانی مانند باقر و صادق در این دسته قرار می‌گیرند. «سابق بالخیرات» کسی است که مردم را به جهاد دعوت می‌کند و به امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازد. مانند زید بن علی (ع) که دارای مقامات عالی‌ای نزد پروردگار است؛ زیرا «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً».^{۴۰}

۲) نقل آراء و روایات زید بن علی

ذیل آیه «الْيَوْمَ أَحْلَلْ لَكُمْ الطَّيِّبَاتِ وَطَعَامَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَّ لَكُمْ وَطَعَامَكُمْ حَلَّ لَهُمْ...»^{۴۱} به روایتی از زید بن علی در باب حلال بودن طعام اهل کتاب و ذبیحه اشاره شده است.^{۴۲}

۳) یاد کردن از ائمه شیعیان بدون علامت «ع» = علیه السلام

مفسر در نقل روایات و اقوال امامان شیعه بعد از ذکر نام، علامت «ع» به معنای علیه السلام قرار نمی‌دهد و در مقابل برای بزرگداشت ائمه زیدی از این علامت استفاده می‌کند. مانند: ذکر نام امام باقر (ع) بدون «ع» در بیان شأن نزول و حکم آیه وضو،^{۴۳} ذکر نام امام

صادق (ع) بدون «ع» در نقل روایتی از پدرشان و از جد بزرگوارشان امام سجاد (ع) به نقل از پیامبر (ص). نکته قابل توجه در این نقل روایت، این است که در مقابل نام امام صادق و امام باقر (ع) علامت «ع» قرار نگرفته، اما در مقابل نام امام سجاد (ع) که زیدیه قائل به امامت ایشان هستند، علامت «ع» قرار گرفته است. ۴) یاد کردن از امامان مورد اتفاق زیدیه و امامیه با علامت «ع»

در مورد امامان معصوم تا قبل از امام باقر (ع)، زیدیه با شیعه امامیه توافق دارد. به همین جهت در این تفسیر در مقابل نام امام علی (ع) و حسن بن علی (ع)، علامت «ع» دیده می‌شود.^{۴۴}

۵) ذکر ائمه زیدی با علامت «ع»

مفسر بعد از ذکر نام امامان زیدیه از علامت «ع» جهت بزرگداشت ایشان استفاده می‌نماید. در مورد «زید بن علی»،^{۴۵} «یحیی بن حسین»،^{۴۶} «قاسم»^{۴۷} و به خصوص «ناصر للحق»،^{۴۸} علامت «ع» به چشم می‌خورد. در حجم مورد مطالعه این گزارش - که کم نبوده است - تمام امامان زیدیه و به خصوص ناصر للحق با علامت «ع» مورد احترام واقع شده‌اند.

۶) مخالفت با برخی از اعتقادات امامیه

با بررسی به عمل آمده، نمونه‌هایی از مخالفت با اعتقادات امامیه دیده می‌شود. برای نمونه ذیل آیه «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لَتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ»^{۴۹} با توجه به اینکه آیه از عدم وجود انذار دهنده‌ای قبل از پیامبر (ص) خبر می‌دهد، اعتقاد امامیه مبنی بر عدم جواز خالی بودن زمین از حجت رارد می‌کند و تصریح می‌کند که این باور امامیه باطل است.^{۵۰} همچنین در

۴۴. همان، ج ۱، ب ۸۰ پ و ب ۱۱۱ ر.

۴۵. همان، ج ۱، ب ۱۲۸ ر.

۴۶. همان، ج ۱، ب ۳۱۵ ر.

۴۷. همان، ج ۱، ب ۵۷۱ پ.

۴۸. همان، ج ۱، ب ۳۳ ر.

۴۹. سجده، ۳.

۵۰. تفسیر کتاب الله، ج ۲، ب ۱۵۹ پ.

۳۹. فاطر، ۳۲.

۴۰. نساء، ۹۵؛ تفسیر کتاب الله، ج ۲، ب ۱۸۸ پ.

۴۱. مانده، ۵.

۴۲. تفسیر کتاب الله، ج ۱، ب ۱۲۸ ر.

۴۳. همان، ج ۱، ب ۱۰۳ پ و ب ۱۲۹ پ.

آیه «لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»،^{۵۱} مفسر با توضیح آیه، نتیجه می‌گیرد که بازگشت مردگان به دنیا امکان پذیر نیست و به همین دلیل اعتقاد به رجعت امامیه باطل است.^{۵۲}

نموده‌هایی از تعلقات ولایی مفسر تفسیر کتاب الله

در این تفسیر نشانه‌های آشکاری از تعلقات ولایی مفسر به چشم می‌خورد که گاه به صورت نقل روایت از امام علی (ع) و یادکرد از ایشان با عنوان امیرالمؤمنین است و گاه ذیل آیات مربوط به امامت، ولایت و اهل‌بیت خودنمایی می‌کند. به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

۱- ذیل آیه امامت «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»،^{۵۳} به نقل از مجاهد، مراد از «عهد» را در آیه، امان از عذاب، نبوت و امامت دانسته و در مورد نفی امامت از ظالمان چنین توضیح داده است: خلافت و عهد الهی به ظالمان نمی‌رسد و شخص عادل، مؤمن و مبرّی از ظلم، شایستگی رسیدن به این مقام را دارد. مفسر در ادامه با نگاهی تأمل‌برانگیز این سؤال را مطرح می‌سازد که چگونه کسی که حکم و شهادتش به جهت ظلم نافذ نیست و طاعتش واجب نیست و ... شایستگی رسیدن به مقام امامت را داشته باشد؟^{۵۴}

۲- ذیل آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْهَرُ نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ»،^{۵۵} به نقل از تفسیر فخررازی، آیه را در شأن امیرالمؤمنین (ع) می‌داند. البته به تفسیر حاکم جشمی - مفسر زیدی - نیز

اشاره می‌نماید که ماجرای لیلۃ المبیت در آن نقل شده است.^{۵۶}

۳- ذیل آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»،^{۵۷} اشاره می‌نماید که جمع بودن «راکعون» دلیل بر این نیست که جمیع مؤمنان لحاظ شده باشند؛ زیرا معنا ندارد که جمیع مؤمنان بر جمیع مؤمنان ولایت داشته باشند، پس مراد بعضی المؤمنین هستند. این آیه برای شخصی جز امیرالمؤمنین ادعا نشده است و به حکم این آیه، مصداق آیه شخص مفترض الطاعة و امام خواهد بود و اگر اشکال به لفظ جمع شود، جواب داده می‌شود که در آیات الهی گاهی به جهت تعظیم و تفخیم این‌گونه آورده می‌شود. در حقیقت ولایت الهی مخصوص اعطاکننده انگشتر در حال نماز است.

دیلمی در ادامه اشاره می‌کند که مقاتل بن سلیمان در تفسیر خود، محمد بن جریر طبری، سدی و سایر مفسران به این شأن نزول اشاره کرده‌اند.^{۵۸}

۴- در مورد آیه تبلیغ «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»،^{۵۹} با استناد به اقوال مفسران صحابه و تابعان، آیه را در شأن علی بن ابی‌طالب (ع) و روز غدیر می‌داند که از جمله آنان بزرگانی از صحابه مانند: ابن عباس، براء بن عازب، زید بن ارقم، ابوسعید خدری، ابویوب انصاری، عباس بن عبدالمطلب، مقداد بن اسود، انس بن مالک، ابوذر غفاری، ابی بن کعب، حذیفه بن یمان، عباده بن صامت و سلمان فارسی می‌باشند. وی در تفسیر آیه به لزوم تبلیغ جمیع آنچه نازل شده و عدم غفلت و فروگذاردن بعضی آنچه نازل شده اشاره می‌نماید.^{۶۰}

۵۶. تفسیر کتاب الله، ج ۱، ب ۳۸.

۵۷. مائده، ۵۵.

۵۸. تفسیر کتاب الله، ج ۱، ب ۱۳۹.

۵۹. مائده، ۶۷.

۶۰. تفسیر کتاب الله، ج ۱، ب ۱۴۱.

۵۱. مؤمنون، ۱۰۰.

۵۲. تفسیر کتاب الله، ج ۲، ب ۷۲.

۵۳. بقره، ۱۲۴.

۵۴. تفسیر کتاب الله، ج ۱، ب ۲۳.

۵۵. بقره، ۲۰۷.





۵- ذیل آیه تطهیر «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»^{۶۱} نیز گرایش ولایی مفسر به اهل بیت (ع) به چشم می خورد.^{۶۲}

۶- در شأن نزول سوره انسان، این سوره را در شأن امام علی (ع)، حضرت فاطمه (س)، حسنین (ع) و فضه می داند و به نذر ایشان و ماجرای وفای به عهدشان که نزد مفسران شیعه مشهور است، اشاره می نماید. وی تصریح می نماید که ابن عباس، مجاهد، زمخشری و ناصر للحق به این شأن نزول اعتقاد دارند.^{۶۳}

۷- ذیل آیه نور «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ...»^{۶۴} به روایاتی اشاره می نماید که این آیه را در شأن امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س) می دانند و «نور علی نور» را فرزندان ایشان می داند و با قید «امامان اثنی عشر» یاد می کند و این قول را به شیخ طوسی نسبت می دهد و در توضیح اضافه می کند که این قول زیدیه است با این تفاوت که آن را مختص ۱۲ نفر نمی دانند و اشاره به نظر اهل سنت می کند که این آیه را در رابطه با پیامبر (ص) به همراه خلفای چهارگانه می دانند.^{۶۵}

۸- در سوره کوثر نیز به نقل اقوال مختلف می پردازد که مصادیقی متفاوت برای «کوثر» ارائه می دهد، مانند علمای امت، فرزندان پیامبر، اسلام، قرآن و ...، اما خود به این نکته تصریح می کند که مراد از «ابتر» در این سوره «عاص بن وائل» است که مطابق با نظر شیعه در شأن نزول سوره است.^{۶۶}

۹- در ابتدای جلد دوم و به مناسبت آغاز سوره

۶۱. احزاب، ۳۳.

۶۲. تفسیر کتاب الله، ج ۲، ب ۱۶۹.

۶۳. همان، ج ۲، ب ۳۴۵.

۶۴. نور، ۳۵.

۶۵. تفسیر کتاب الله، ج ۲، ب ۸۲.

۶۶. همان، ج ۲، ب ۳۸۲.

مریم و آیه «بَرِّئْتِنِي وَيَرِّثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا»^{۶۷} به غصب فدک توسط ابوبکر و عمر اشاره می نماید و به ذکر خطبه حضرت زهرا (س) و احتجاج بر خلفا با استناد به احتجاج طبرسی می پردازد.^{۶۸}

این موارد، نمونه هایی از گرایشهای ولایی مفسر است که هماهنگی اعتقادات زیدیه با امامیه را در برخی از مسائل نشان می دهد. موسوی نژاد با استناد به برخی منابع زیدیه - مطمح الآمال، تألیف قاضی حسین بن ناصر مهلا (د ۱۱۱۱ق) - بر این باور است که تفاوت دیدگاه زیدیه و امامیه در مسئله امامت به معنای عدم قبول و رد دیگر اهل بیت از سوی زیدیه نیست، بلکه آنان همچون امامیه مرجعیت کتاب و عترت را از اساسی ترین اعتقادات خود می دانند و حتی از به کار بردن نام امام برای دیگر بزرگان اهل بیت دریغ ندارند و روایات آنان را نقل می کنند و برای آنان احترام ویژه ای قائل هستند.^{۶۹}

در پایان کتاب، نوشته هایی به صورت پراکنده شبیه ملحقات وجود دارد. یکی از این مطالب به ذکر آیاتی در حق پیامبران و امام علی (ع) می پردازد که نمی توان به طور دقیق گفت که نوشته مفسر است یا ناسخ کتاب از منبعی دیگر و یا از خود آن را اضافه کرده است. به هر حال چون ناسخ کتاب هم به احتمال بسیار بالا زیدی بوده است، این مطلب نشان از تعلقات ولایی زیدیه دارد.

نتیجه گیری

۱. تفسیر کتاب الله، نوشته ابوالفضل عباس بن شهردور دیلمی از علمای زیدیه شمال ایران در اواخر قرن هشتم است که از مهم ترین میراث تفسیری زیدیان شمال ایران به شمار می آید.

۲. در میراث علمی فرقه زیدیه عنایت و توجه به

۶۷. مریم، ۶.

۶۸. تفسیر کتاب الله، ج ۲، ب ۱۴.

۶۹. «کتابهای حدیثی منتشر شده از زیدیه (۱)»، ص ۱۵۶.

معارف اهل بیت به خوبی مشهود است و به دلیل نزدیکی تفکر زیدیه به تفکر معتزلی و عقلی، شباهت زیادی با متون و منابع امامیه دارند. بنابراین توجه به آثار ایشان برای تقویت پشتوانه فکری و فرهنگی شیعه امامی دارای اهمیت بسیاری است که با رویکردی اثباتی به میراث زیدیه می توان این تألیفات را میراث تشیع دانست.

۳. علت پرداختن به این تفسیر به این جهت است که این متن از حیث مضمون، نوع زبان، گویش، آراء کلامی و تاریخی و از جهت نسخه شناسی دارای

اهمیت بسیار است و یک نوع سنت کتابت خاص را به ما ارائه داده است. همچنین با توجه به نقل اقوال مفسران و عالمان زیدی در این تفسیر، تصویر روشنی از نظرات زیدیه در اختیار ما قرار خواهد گرفت.

۴. با بررسی تفاسیر و مطالب ارائه شده ذیل آیات، به نمونه‌هایی از گرایشهای زیدی بودن مفسر دست می یابیم، چنان که نمونه‌هایی از گرایشهای ولایی وی، در این تفسیر مشهود است که از وجود اشتراکات این فرقه با امامیه سخن می گوید.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن بن علی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۳ق.
- ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۱ق.
- دیلمی، عباس بن شهردویر، تفسیر کتاب الله، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸ش.
- ذهبی، محمدحسین، التفسیر و المفسرون، تهران، آوند دانش، ۱۴۲۵ق.
- رحمتی، محمدکاظم، زیدیه در ایران، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۲ش.
- عبدالامیر الشامی، فضیلة، تاریخ الفرقة الزیدیه بین القرنین الثانی و الثالث للهجرة، نجف، مطبعة الآداب، ۱۳۹۴ق.
- عمادی حائری، سید محمد، «درباره سطر بندی نسخه‌های تفسیر کتاب الله و اشاره به نقش متن و تعلیقات در صفحه آرایی نسخ خطی»، مجله نامه بهارستان، شماره ۱۷، ۱۳۸۹ش.
- عمادی حائری، سید محمد؛ و محمدکاظم رحمتی، «گزارش»، مجله کتاب ماه دین، شماره ۱۵۳، ۱۳۸۹ش.
- فرمانیان، مهدی، آشنایی با فرق تشیع، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۷ش.
- همو، زیدیه؛ تاریخ و عقاید، قم، ادیان، ۱۳۸۶ش.
- مفید، محمد بن محمد، اوائل المقالات، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- موسوی نژاد، سید علی، «آشنایی با زیدیه»، مجله هفت آسمان، شماره ۱۱، ۱۳۸۰ش.
- همو، «زیدیان شمال ایران در قرن هشتم هجری براساس نسخه‌ای تازه‌یاب»، مجله هفت آسمان، شماره ۳۸، ۱۳۸۷ش.
- همو، «زیدیه از ظهور تا تأسیس حکومت»، مجله پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، شماره ۱۳ و ۱۴، ۱۳۸۴ش.
- همو، «کتابهای حدیثی منتشر شده از زیدیه (۱)»، مجله علوم حدیث، شماره ۲۵، ۱۳۸۱ش.
- نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۴ق.

